نفت یک کالای اقتصادی نیست

حسن تاش، سید غلامحسن

مباحثی که درباره نفت ارائه می‏شود باید با شناخت دقیق‏ ویژگی‏های اقتصادی،بازار و تاریخچه صنعت نفت باشد. تئوری‏های اقتصادی و مطالعات اقتصاد سنجی در دوره‏های‏ مختلف در کشورها مختلف در سطح بین المللی حاکی است‏ که واکنش تغییر قیمت به مقدار عرضه،اندک است.در واقع، به دلیل ضروری بودن این کالا،وقتی قیمت بالا می‏رود میزان‏ تقاضا به آن شدت که قیمت بالا رفته،کاهش نمی‏یابد.یعنی‏ اگر قیمت صد در صد افزایش یابد،از تقاضا مثلا ده درصد کاسته می‏شود.اما از آن طرف،اگر عرضه افزایش یابد،قیمت‏ به شدت سقوط می‏کند.

به عبارت دیگر،با ده درصد عرضه اضافی،قیمت‏ نفت صد در صد سقوط خواهد کرد.یعنی نباید انتظار شود تا ده درصد افت قیمت را شاهد باشیم.با دو میلیون‏ بشکه افزایش،قیمت به شدت سقوط خواهد کرد.در مورد چنین کالایی،برای جبران درآمد باید قیمت ضرب‏ در تولید شود.هیچ راه دیگری وجود ندارد،باید همواره‏ به قیمت توجه داشت.اگر تنها به سهم بازار تکیه شود قیمت‏ها آنقدر سقوط خواهد کرد که جبران آن دشوار خواهد شد.

از سوی دیگر،هدفی که در اساسنامه اوپک عنوان شده، حداکثر کردن درآمد است نه میزان تولید و قیمت نفت.با توجه به ویژگی‏های اقتصادی نفت،راهی غیر از کنترل عرضه‏ و بالا نگهداشتن قیمت وجود ندارد.

بحث افزایش سهم بازار برای اولین بار در سال 1985 از طرف‏ زکی‏یمانی وزیر نفت وقت عربستان سعودی مطرح شد که‏ کاهش قیمت و افزایش سهم بازار مدنظر قرارگرفت.در پی‏ اتخاذ این سیاست،در سال 1365 قیمت نفت تا زیر ده دلار هم‏ سقوط کرد.البته در سال 1998 نیز شبیه همین اتفاق روی داد؛ هر چند نه به آن شدت.در واقع فرضی که در این نظریه و سیاست‏ نهفته،این است که بازار نفت مانند بازار همه کالاهای دیگر است و وضع آن را عرضه و تقاضا تعیین می‏کند.این که در بازار، عرضه و تقاضا قیمت‏ها را تعیین می‏کند یک واقعیت است اما باید توجه داشت که برخلاف تصور عمومی،بازار نفت یک‏ بازار آزاد نیست.کشورهای صنعتی مصرف کننده،به نفت به‏ عنوان یک کالای معمولی اقتصادی نگاه نمی‏کنند.بعد از شوک نفتی 1970 کشورهای صنعتی یک استراتژی انرژی برای‏ خودشان تعریف کردند و وقتی که یک کالایی استراتژیک شد دیگر از زاویه اقتصادی به آن نگاه نمی‏شود.مسئله امنیتی و ملی‏ در آن نقش اساسی دارد.به همین دلیل این کشورها به هیچ‏ وجه نفت را به حال خود نمی‏گذارند تا عوامل بازار تکلیف‏ قیمت آن را تعیین کند.آنها اجازه نمی‏دهند این کالای استراژیک‏ دستخوش جریانات جهانی شود.کسانی که سهم بازار را مطرح‏ می‏کنند،فرض نادرستی در سر دارند.نفت کالایی نیست که‏ به عوامل بازار واگذار شود.

هم عقل اقتصادی ایجاب می‏کند که باید دنبال قیمت‏های بالا باشیم و هم این که با این ویژگی‏هایی که نفت دارد،قدرت افزایش‏ سهم بازار و کاهش قیمت‏ها وجود ندارد.کشورهای صنعتی‏ حاضر نیستند.استراتژی بازار در دست اعضای اوپک باشد.

طرفداران نظریه زکی یمانی که قیمت‏های بالا محدود کننده تقاضا است،بر این باورند که اکنون قیمت‏های‏

از شوک نفتی 1970،نفت یک کالای استراتژیک شمرده می‏شود نفت یک کالای اقتصادی نیست

سید غلامحسین حسن‏تاش

به دلیل ضروری بودن نفت‏ وقتی قیمت بالا می‏رود میزان تقاضا به آن شدت‏ که قیمت بالا رفته‏ کاهش نمی‏یابد

عربستان سعودی که‏ خود دنبال افزایش سهم بازار بود در سال 1985 بیش از شش ماه‏ دوام نیاورد و بحران‏های جدی‏ در اوپک اتفاق افتاد

جهانی نفت در حد بالایی است و باید کاهش یابد تا تقاضا بالا برود.این فرض نادرستی است و تحت تاثیر کشورهای صنعتی‏ است.این کشورها عادت کرده‏اند نتایج عملکرد غلط اقتصادی خود را به گردن دیگران بیندازند.دلیل تورم یا رکود خودشان را بنابر عادت تبلیغی برای شهروندان،نتیجه‏ سیاست‏های نفتی کشورهای عضو اوپک عنوان می‏کنند.

واقعیت این است که قیمت‏های امروزی نفت قیمت‏های‏ بالایی نیست.اگر قیمت nominal (اسمی)و relterm (واقعی) نفت را بر پایه سال 1970 در نظر بگیریم قیمت نفت،از نظر قدرت خرید،زیر پنج دلار است.به عبارت دیگر،اگر با نگاهی‏ تاریخی و طولانی مدت به موضوع نگاه کنیم،درمی‏یابیم که‏ قیمت نفت رقم بالایی نیست که اثر تعیین کننده روی عرضه‏ و تقاضا داشته باشد.

کسانی که بحث سهم بازار را در نظر دارند،بر این استدلال‏ متکی هستند که چون هزینه تولید برای کشورهای غیر عضو اوپک‏ بالاست چنانچه قیمت کاهش یابد،آنها قادر به افزایش تولید